

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان کلود پای – و – تولای اومای
برگردان از: حمید محوی / پاریس
۱۱ جولای ۲۰۱۴

گفتار جنگ و تفکر دو قطبی

سوریه به عنوان نمونه

فراسوی تبلیغات

مضمون: تحریف در رسانه های همگانی



از تاریخ سوء قصد ۱۱ سپتمبر، ما شاهد تحول خاصی در شیوه بررسی و بازنمایی رویدادهای روز در رسانه ها بوده ایم. حاصل این تحولات، به محاصره درآمدن ما در جهان مجازی به مفهوم جهانی غیر واقعی بوده است. در این شیوه بازنمایی ضد رئالیستی، رسانه ها حقیقت را نه بر اساس بازنمایی منسجم و هماهنگ، بلکه بر اساس خصوصیت شگفت آور-عجیب- مختل کننده بنیانگذاری کرده اند. در نتیجه، فاعل شناسنده (فرد دریافت کننده پیغام از طریق رسانه ها که می اندیشد و در پی کشف و شناخت جهان پیرامون است... و خلاصه خواننده و یا بیننده و یا شنونده) منفعل باقی می ماند و نمی تواند با واقعیت رابطه برقرار کند.

رسانه ها به ما دروغ می گویند، ولی همزمان، به ما نشان می دهند که در حال دروغ گفتن هستند. روند تحریف به هدف کسب توافق عمومی بر اساس تغییر بینش ما از واقعیات صورت نمی گیرد، بلکه ترفند بر این اساس است که ما در نمایش قادر مطلق که در سرشت قدرت حاکمه است، محصور شویم (۱). تخریب خرد و تشویق بهت زدگی از طریق بازنمایی تصاویری تکیه صورت می گیرد که کارکرد آن این است که جایگزین واقعیات عینی می شود.

از بن لادن تا محمد مراح، و به همچنین در مورد «دیکتاتور» بشار اسد، گفتار رسانه ها به تولید دائمی «فتیش» اختصاص دارد (مترجم: فتیش در بطن فرهنگی خاص، شیئی را گویند که برای آن خواص مافوق طبیعه قائل می

شوند و باور بر آن است که برای دارنده آن خوش شگون خواهد بود)، و به شیوه ای ساخت و سامان یافته که مصرف کنندگان رسانه ها به آنچه برای دیدن عرضه شده باور داشته باشند. ساخت و سامان این شیوه بیانی رسانه ئی، به شکلی که در تبلیغات رواج دارد، هدفش متقاعد ساختن دریافت کنندگان پیغام نیست. بلکه به دریافت کننده پیغام رسانه ئی توصیه می کند و فرمان می دهد که برای تصویر، به عنوان مثال برای تصویر عینیت قائل شود (مترجم: به همان شکلی که در بطن برخی فرهنگ های «فتیش باور» یا مذهبی به عنوان مثال در رابطه با «دعا» به وجود قدرت مافوق طبیعه در آن شیء یا دعا به عنوان فتیش زبانی — مثل صلوات و غیره — باوردارند. در اینجا آن فتیش، تصویر و یا به طور کلی پیغام رسانه ئی است). ساخت و ساز گفتار رایج در باب «جنگ خیر علیه شر» روند اورولی orwellien (جرج اورول نویسنده و روزنامه نگار بریتانیایی که مفهوم «برادر بزرگ» Big Brother متعلق به او است) را به روز ساخت که مبنای آن تفکر دوگانه است، و می باید طی روندی ساختار شکنانه به واقعیت تازه ای تبدیل شود که تمام وجود و هستی ما، زندگی روزمره در مناسبات سیاسی کلی ما را تحت تأثیر قرار می دهد.

این مهارت و فن آوری در حال حاضر در تمام موارد رایج شده، به ویژه در مورد جنگ در سوریه. این مهارت عبارت است از هم زمانی بیان و نفی بیان، یعنی با حفظ آن چیزی که پیش از این برای دیدن و شنیدن عرضه شده، همزمان آن چیزی را نفی می کنند که فوراً به زبان آورده اند. در این صورت تماشایی مطلوب این نظام رسانه ئی، فردی است که قابلیت پذیرش عناصر متضاد را داشته باشد، بی آن که به تضاد موجود توجهی نشان دهد. در این صورت زبان به عرصه ارتباطات تنزل یافته و قادر به عملکرد خود در عرصه بازنمایی نخواهد بود. ساختار شکنی در زمینه قابلیت نمادسازی در هر فرد مانع هر گونه حفاظتی در مقابل امر واقعی می گردد و ما را به انفعال کشانده و بدان واگذار می کند.

همزمانی بیان یک چیز و نفی آن

در گزارشات مرتبط به جنگ در سوریه، روند تفکر دوگانه به شکل دائمی در همه جا حضور دارد. اعلام یک چیز و نفی آن (یا چیزی که خلاف آن است) موجب تخریب تفکر و خودآگاه نزد فرد می شود. به شکلی که درک و تحلیل واقعیت دیگر ممکن نخواهد بود. در نبود فاصله گذاری و نبود تسلط بر هیجان حسی، تنها می توانیم [امر واقع] را تأیید کنیم و تحت تأثیر آن قرار بگیریم و به آن تسلیم شویم — به عبارت دیگر در مقابل آن بهت زده شویم —

(مترجم: در اینجا «امر واقع» را با واقعیت اشتباه نگیریم. اصطلاح لکانی است، در صورتی که واقعیت مشخصاً آنی است که توسط نظم نمادینه در زبان بازنمایی می شود. ولی امر واقع بازنمایی ناپذیر و ناممکن است. و در نهایت امر بیشتر به مفهوم هذیان و پسیکوز نزدیک است و مانعی برای نمادینه سازی بوده و بی قانون است).

مخالفان رژیم بشار اسد هم زمان «مبارزان آزادی» و «اصولگرایان اسلامی» دشمن دموکراسی نامیده می شوند. این تناقض گویی به همین شکل در مورد استفاده از سلاح کیمیایی توسط متخاصمان وجود دارد. رسانه ها، در نبود مدرک معتبر، با اطمینان کامل رژیم سوریه را متهم می دانند، با این وجود می گویند که «شورشیان» از این نوع سلاح استفاده کرده اند.

رسانه های به ویژه بیانیه های کارلا دل پونت Carla Del Ponte قاضی، عضو هیأت تجسسی مستقل سازمان ملل متحد در مورد خشونت در سوریه را منتشر کردند. کارلا دل پونت روز ۵ می ۲۰۱۳ در تلویزیون سوئیس اعلام کرد: «بر اساس گزارشاتی که ما گردآوری کردیم، شورشیان از سلاح کیمیایی استفاده کرده اند، و گاز سارین به کار برده اند». در مورد خانم قاضی که در عین حال دادستان دیوان کیفری بین المللی برای یوگوسلاوی سابق نیز هست، به سختی بتوانیم او را در تبانی با رژیم بشار اسد بدانیم. او در ادامه مطالب مطروحه اش، اضافه کرده است که

«تجسس‌ات من ادامه خواهد داشت و تعمیق خواهد یافت، بررسی و تأیید مدارک و مشاهدات نیز ادامه دارد، ولی بر اساس پرونده ای که ما تا این جا در اختیار داریم، می توانیم تأیید کنیم که مخالفان رژیم از گاز سارین استفاده کرده اند»^(۱)

ولی کاخ سفید نتایج این تجسس‌ات و بیانیه ها را به حساب نیاورد و دائماً خلاف آن موضع گیری کرد. در نتیجه، در مورد کشتار غوطه طی ۲۱ اگست ۲۰۱۳، کاخ سفید بیانیه ای منتشر کرد و مدعی شد که «تردید بسیار اندکی» در مورد کاربرد سلاح کیمیائی توسط رژیم سوریه علیه مخالفان وجود دارد. این بیانیه در عین حال اعلام کرد که موافقت دولت سوریه برای ورود بازرسان سازمان ملل متحد به مناطق مربوطه «برای آن که بتواند معتبر باشد، خیلی دیر شده است».

کاهش جایگاه کیفیت نسبت به کمیت

پس از کاربرد سلاح کیمیائی در حومه دمشق به تاریخ ۲۱ اگست ۲۰۱۳، آقای جان کری اعلام کرد که ایالات متحده «با اطمینان بسیار قوی» رژیم سوریه را مسؤول می داند. گزارش اطلاعاتی امریکا، که کاخ سفید آن را منتشر کرده و مدعی شده است که با تکیه به منابع «متعدد» دولت سوریه در حملاتش از گاز «نوروتوکسیک» (مسموم کننده عصب) استفاده کرده، و «تا حدود بسیاری نامحتمل» است که حمله کیمیائی توسط شورشیان صورت گرفته باشد (۲).

می بینم که فرد در جایگاهی قرار می گیرد که قادر به تشخیص تفاوتها در این چرخش ها و پیچش های زبانی نیست. وجه کیفی اطمینان به وجه کمی تنزل یافته، یعنی به «اختلاف و تنوع درجه اطمینان» که مقدماً توسط بارک اوباما اعلام شد، و سپس «با اطمینان بسیار قوی» توسط جان کری به نحو دیگری تکرار گردید. «تردید بسیار اندکی» — یعنی یک ردیف از اصطلاحات کمی با درجات متنوع — برای مجرم و مسؤول دانستن رژیم سوریه مطرح گردید که متعاقباً به آئینه ای برای «تا حدود زیادی نامحتمل» بودن مسؤولیت مخالفان تبدیل شد. در نتیجه می بینیم که کیفیت با رجوع به تنوع کمیت تعریف می شود. کیفیت، آن چیزی که هست همزمان به چیزی که نیست تبدیل می شود یا دست کم به چیزی که نمی تواند باشد، زیرا به اطمینان تکیه ندارد، ولی اطمینان اعلام شده به درجه ای از کمیت ها یا تردیدها بستگی دارد. بر این اساس بین جملات متضاد، بین اطمینان و تردید معادله ای به وجود می آید. تنوع کیفی به فاصله بین کمیت ها تنزل می یابد.

از سوی دیگر، چنین تنزلی در کیفیت به کمیت، در زندگی روزمره ما نیز راه یافته و باید بدان آگاه باشیم. دیگر از فقر حرف زده نمی شود، افراد فقیر دیگر وجود ندارد، ولی از افرادی حرف می زنند که از تسهیلات و امکانات کمتری برخوردارند. به همین نسبت دیگر اصطلاح «افلیج» را به کار نمی برند و می گویند «آنها» که از سلامتی کمتری برخوردارند». شغل های با کیفیت نازلتر در حال حاضر با اسامی خاصی نامیده می شوند که نازل بودن کیفیت را نفی می کند، به عنوان مثال برای اشتغال های زنانه مانند نظافتچی هتل ها اصطلاح «متخصص سطح» را به کار می برند و یا صندوقدار از این پس «میزبان صندوق» نامیده می شود و نام کارگر نیز به «اپراتور تولیدی» ارتقاء یافته است. در اینجا ما با تخریب قدرت تفکیک کننده زبان سروکار پیدا می کنیم. واژه ها به اصطلاحات و شیوه بیانی تبدیل شده اند تا جهانی یکپارچه به وجود آورند. با چنین ساز و کاری ما در جهانی زندگی می کنیم که همه از رفاه و امتیاز برخوردار هستند. بین افراد دیگر تفاوتی وجود ندارد، ولی تنها در کمیت ها با یکدیگر تفاوت دارند. بینش جهانی کاملاً یکپارچه، جهانی که همه با هم برابر هستند، و تنها در کمیت ها با یکدیگر تفاوت دارند، همین چشم انداز پیش از این توسط جرج اورول در «باغ حیوانات» ترسیم شده است: همه برابر هستند، ولی برخی بیشتر از دیگران (۳).

واژه، یعنی آنچه که کیفیت و تفاوت چیزها را نشان می دهد، توسط تصویر، و توسط آن چیزی که هست ولی در عین حال نیست، جایگزین می شود. خلاف واژگان که به شیء رجوع می دهد، درجات اطمینان تنها به احساس گوینده (فرستنده پیغام) باز می گردد. این اصطلاحات در زبان علت وجودیشان بازنمایی و تشخیص اشیاء بیرونی نیست، ولی هدف از آن نشان دادن مخاطب در نگاه آن فردی است که حرف می زند (در نگاه فرستنده پیغام – سخنران و غیره)، و سرانجام هدف این است که با ایجاد چرخش و پیچش در زبان، فرد را با مفاهیم انحرافی به محاصره درآورد. ابراز اطمینان در متارکه با واقعیات به عنوان امری کاملاً ذهنی مطرح می گردد، و بی آن که به مشاهده تکیه داشته باشد، به مدد عملیات کمیت پردازانه روی تمایلی پافشاری می کند که گوئی می باید آن را به عنوان امری عینی تلقی کنیم.

وجه تمایز ابراز اطمینان مقامات ایالات متحده آمریکا و فرانسه در ساخت و پرداخت و عرضه داده های ابهام آمیزی است که در مورد دلایل مسئولیت رژیم سوریه مطرح کرده اند، اگر چه از سوی دیگر خودشان معترف بوده اند که تشخیص جبهه ای که سلاح کیمیائی را به کار برده، امکان پذیر نیست.

دستیابی به اطمینان عینی ممکن نیست، زیرا مشاهده واقعی متوقف شده و فرد در نبود امکان کشف واقعیت، و امکان ناپذیر شدن کسب اطمینان، فرد بهت زده برجا می ماند. ابراز اطمینان در چنین وضعیتی حقیقت را از دروغ تفکیک نمی کند، زیرا قابلیت داوری نزد فرد به حالت تعلیق درآمده است.

به طور مشخص، اطمینان ذهنی و عینی در هم آمیخته و قابل تشخیص نخواهد بود. در اینجا می بینیم که باور به آنچه به بیان آمده اهمیت خود را از دست می دهد، ولی تنها عنصری که باور ما را تشویق می کند، اعتبار مقام عالی رتبه و قدرت است. هر چه بگوئید. در این صورت، بیانیه های رئیس جمهور بارک اوباما و فرانسوا هولاند فوراً به عنوان اطمینان مطلق نزد افراد دریافت و پذیرفته می شود، به این معنا که بیانیه های صادره از جناح مقام عالی رتبه و قدرت در جایگاهی قرار می گیرد که دکارت برای خدا قائل بود «به عنوان اصل ضمانت حقیقت عینی در زندگی ذهنی...» (۴). «مسأله عبور از مراحل بررسی عینی، فراسوی داوری اعلام شده، مطرح نمی گردد زیرا ابراز اطمینان از هر گونه الزامات زمانی و مکانی آزاد شده است. ابراز اطمینان در نبود محدودیت، و در نبود آن چیزی مطرح می گردد که در اصطلاحات روانکاوی رابطه با غیر می نامند(۵).

یادآوری مترجم:

متأسفانه من تمام متن را ترجمه نکردم، مابقی متن به دلیل استفاده پررنگ از اصطلاحات روانکاوی لکانی، از کار ترجمه فزاینده تر می رفت. متأسفانه برخی پژوهشگران نه تنها اصطلاحات لکانی را به کار می برند بلکه از شیوه نگارش لکان نیز الهام می گیرند، یعنی موضوعی که کار خواندن متن و ترجمه آن را مشکل می سازد. حال این که مترجم چگونه باید خود را در پازل لکانیسم پیدا کند، جزء مشغولیات فکری آنها نیست. احتمالاً به کار بستن اصطلاحات روانکاوی لکانی تعداد خوانندگان این گونه مقالات را خیلی کاهش خواهد داد و مشکل این گونه متن ها نیز این است که خواننده با زنجیره ای از اصطلاحات و واژگان زمینه تخصصی سروکار پیدا می کنند که به هیچ عنوان نمی توان به شکل جزئی آن را درک کرد زیرا یک کلیت است. در حالی که همین مفاهیم را می توان در اشکال دیگری نوشت. البته من پیش از این متن های دیگری نیز از این دو پژوهشگر ارزنده ترجمه کرده ام ولی با مشکل چندان روبرو نشده بودم. ولی اینجا به نظرمی رسد که برای روانکاوی سنگ تمام گذاشته اند. از این همه گذشته باید اعتراف کنم که در حال حاضر آمادگی ذهنی برای اینگونه مباحث را ندارم، خاصه از این جهت که مخالف روانکاوی و روانکاوان نیز

هستم، و همین امر موجب ایجاد مقاومت ناخودآگاه در خود من برای ترجمه می شود با این وجود دست آوردهای روانکاو در زمینه زبان را واقعاً اجتناب ناپذیر می دانم. و تلاش های پژوهشگرانی مانند ژان کلود پای و تولای اومای برای افشای ترفندهای رسانه ها و سیستم حاکم برای ما باید بسیار حائز اهمیت باشد زیرا بسیار نادر هستند. متأسفانه پژوهشگران کشورهایی مانند ایران که جهان سومی هستند و از متن کشورهای استعماری و یا استعمار زده آمده اند و در غرب تحصیل و پژوهش می کنند، بیشتر در خدمت «نظام» قرار می گیرند و بیشتر به حرفه شریف جاسوسی و شرکت و همکاری در توطئه چینی های امپریالیست ها علیه هوش انسانی اشتغال دارند. به عبارت دیگر غالباً در قطب مخالف آلترناتیوهای غرب به سر می برند، به همین علت نیز هست که اپوزیسیون های ایرانی دشمن گاهنامه هنر و مبارزه هستند چون که در این وبلاگ من غالباً و اکیداً این نوع پژوهشگران و نویسندگان غربی را ترجمه می کنم. به همین علت ما مجبور هستیم به شکل دست دوم تا جایی که می توانیم از حاصل پژوهشهای غربی ها استفاده کنیم. این پژوهشگران نیز در واقع برای همین سیستم کار می کنند ولی سوپاپ اطمینان «نظام» هستند و مثل برخی از ما برای پادشاه پروس کار نمی کنند و بورس های پژوهشی احتمالاً خوبی نیز می گیرند که کاملاً طبیعی نیز هست. همه نباید مثل ما ایرانی ها به میل و یا از روی اجبار شهادت طلب باشند.

[۱] « Les rebelles syriens ont utilisé du gaz sarin, selon Carla Del Ponte », *Le Monde.fr* avec Reuters , ۰۶.۰۵.۲۰۱۳ | http://www.lemonde.fr/proche-orient/article/2013/05/06/les-rebelles-syriens-ont-utilise-du-gaz-sarin-selon-carla-del-ponte_3171289_3218.html

[۲] « Syrie : les Etats-Unis ont la “forte certitude” que Damas a eu recours à des armes chimiques », Le Monde.fr | 30.08.2013, http://www.lemonde.fr/proche-orient/article/2013/08/30/syrie-les-etats-unis-ont-la-forte-certitude-que-damas-a-eu-recours-a-des-armes-chimiques_3469202_3218.html

[۳] « Tous les animaux sont égaux, mais certains animaux le sont plus que d'autres », Georges Orwell, *La ferme des animaux*, Gallimard Folio 1984.

[۴] Charles-Éric de Saint Germain, *L'avènement de la vérité Hegel, Kierkegaard, Heidegger*, L'Harmattan 2003, p. 37.

[۵] Dominique Temple, “Lacan et la réciprocité”, Lacan et la réciprocité, 2008 , http://dominique.temple.free.fr/reciprocite.php?page=reciprocite_2&id_article=202

آدرس الکترونیک متن اصلی

<http://www.mondialisation.ca/discours-de-la-guerre-et-double-pensee-lexemple-de-la-syrie/5388995>

یادداشت مترجم :

(۱) « که ما در نمایش قادر مطلق قدرت حاکمه محصور شویم » این جمله را می توانیم در عین حال به شکل تأثیرات نمایش توهم آمیز در متارکه با خرد و روان سالم درک کنیم. به عبارت دیگر «محصور شدگی» را می توانیم به مفهوم

«بهت زدگی» در راستای مفهومی که فیلیپ میریو در «تصویر : از بهت زدگی تا آموزش و پرورش» تعریف می کند درک کنیم. این مقاله در ۴ بخش در گاهنامه هنر و مبارزه منتشر شده است. نگاه کنید به لینک های زیر

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/313>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/314>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/315>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/316>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۰ جولای ۲۰۱۴

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۹ جون ۲۰۱۴